

واکاوی سبک نوشتاری دادنامه‌های حقوقی و کیفری بر پایه فرانش اندیشگانی^۱

خدیجه سیدرمضان^۲

فاطمه پورمسجدیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در بافت حقوقی، دادنامه‌ها، گزارش‌ها و اسنادی مهم انگاشته می‌شوند. زیرا در نظام حقوقی کشور، در دادنامه‌ای که مشتمل بر حکم یا همان تصمیم مراجع دادرسی باشد، همه و یا برخی از موضوع دعوا به سرانجام می‌رسد. از این رو، فحوای آن برای طرفین کشمکش بسیار سرنوشت‌ساز است. در بررسی متن دادنامه‌ها، با موارد ابهام‌آمیزی مانند حذف گروه‌های اسمی و در برخی موارد گروه‌های فعلی روبه‌رو شدیم. هدف از جستار حاضر، یافتن سازه‌های یادشده و تشریح هر بند، از جنبه معناساختی است. بنابراین، ۴۸ دادنامه حقوقی و کیفری به روش تصادفی از دهه ۵۰ تا ۹۰ انتخاب گردیدند و بر مبنای انگاره گذرایی و فرانش اندیشگانی هلیدی (Halliday, 2004) - به عنوان ابزاری کارآمد- تجزیه و تحلیل شدند. همچنین، میزان فراوانی داده‌ها با بهره‌گیری از آمار

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.32200.1895

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)؛

elahe.ramz.69@gmail.com

^۳ دکترای تخصصی حقوق، استادیار گروه حقوق، هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه

الزهراء (س)؛ f.pourmasjedian@alzahra.ac.ir

توصیفی، محاسبه شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی بندهای مورد اشاره که در برگرفته تشریح و تبیین شرایط و دستور به انجام و یا ترک عمل و نیز اعلام بی‌گناهی و یا گناهکار بودن است، در واقع بیانگر حقایق و وضعیت موجود از جمله صحنه جرم و یا رخدادهای پرونده، نام‌های طرفین کشمکش و دیگر موارد بر مبنای موضوع است. در متون مورد بررسی، هیچ گزاره‌ای یافت نشد که نمایانگر ارائه نمودهای بیرونی از کردارها باشد و سبک نوشتاری این متن‌ها این گونه است که نخست، مستندات و ادله بیان می‌شود، سپس حکم و رأی نگارش می‌شود. به طور کلی، بالا بودن میزان فراوانی فرآیند مادی نشان داد که ژانر حقوقی تأکید بر لازم‌الاجرا بودن احکام و شیوه‌نامه‌ها دارد تا رفتارهای بیرونی.

واژه‌های کلیدی: حکم، متون حقوقی، انگاره گذرایی و فرانشس اندیشگانی.

۱. مقدمه

گفتمان حقوقی یکی از زیرشاخه‌های تحلیل گفتمان است که به بررسی نقش و کاربرد زبان در بافت و ژانرهای گوناگون حقوقی می‌پردازد. در این راستا، الگوها، نظریه‌ها و ابزارهای استعاری و معناشناختی گوناگونی وجود دارند که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان متون نام‌برده را تجزیه و تحلیل کرد (Coulthard- Johnson, 2007, p. 7). سولن (Solán, 1993, p. 29-30) معتقد است که ساختارهای پیچیده و مبهمی در سبک نوشتاری متون حقوقی وجود دارند. این امر سبب شده تا تعبیر و تفسیر کشمکش‌ها و مشاجره‌های موجود در متن‌های یادشده دشوار به نظر برسد. بنابراین وی با ارائه چند داستان و روایت جنایی موجود در چند پرونده به تعبیر و تحلیل آن‌ها پرداخت (Coulthard- Johnson, 2007, p. 42-43). هلیدی (Halliday, 1994) بر این باور است که زبان روشی است برای بیان و تعاملات اجتماعی. این در حالی است که این امر در مورد ساماندهی متن‌های حقوقی به کار نمی‌آید، زیرا زبان حقوقی به دلیل داشتن ساختارهای نحوی پیچیده، زبانی مبهم به نظر می‌رسد (Coulthard- Johnson, 2007, p. 37). متن‌های حقوقی به طور کلی و احکام دادگاه به طور خاص، متن‌ها و گزارش‌هایی هستند که در جریان رسیدگی به دعوا در مراجع قضایی و در سایر اقدامات قانونی مانند اجرای حکم از جمله اسناد بسیار مهم به شمار می‌آیند. از این رو، واکاوی ویژگی‌های این گونه اسناد به عنوان اسنادی قضایی و حتی سرنوشت‌ساز، بسیار اهمیت دارد. جستار حاضر فرآورده بررسی این گونه متن‌های حقوقی به عنوان اسنادی سرنوشت‌ساز برای طرفین دعوا است. از آن جا که انگاره نظام‌مند نقشی^۱ هلیدی،

¹ the systematic functional grammar model

انگاره‌ای قابل تأمل و کارآمد در بررسی، تجزیه و تحلیل انواع ژانرها و گفتمان‌ها است، بر آن شدیم که اسناد یادشده را با استفاده از این انگاره بررسی کرده و شایستگی نظریه مورد اشاره را بسنجیم. در این جستار، با بررسی ویژگی بندهای دادنامه‌ها و عنصرهای محذوف^۲ در آن‌ها، برآنیم برخی نکته‌هایی که در لایه‌های پنهان این متن‌ها وجود دارد را بازیابی کنیم تا از جنبه معناساختی بازنمایی شوند. پرسش‌های جستار حاضر که نگارندگان را به نوشتن این مقاله وا داشته‌است، از این قرارند: نخست اینکه، هر بند از دادنامه با توجه به انگاره گذرایی هیلیدی چه موقعیتی را بازنمایی می‌کند؟ دوم آنکه، در سبک نوشتاری متن‌های مورد اشاره میزان فراوانی کدام یک از فرآیندها، شرکت‌کننده‌ها و عناصر پیرامونی انگاره گذرایی بیشتر است؟

بر پایه نخستین پرسش، فرض بر آن است که بندهایی که خواننده^۳ را وادار به انجام عمل و اقدام می‌کند و حکم دادگاه به شمار می‌آیند، مشتمل بر فرآیند مادی^۴ و موضوع‌های^۵ (شرکت‌کننده‌های^۶) آن اغلب کنش‌گر^۷ یا هدف^۸ است. همچنین، بندهایی که متضمن شرح و نتیجه‌گیری است و ارتباط بین دو یا چند ماهیت را بیان می‌کند، متضمن فرآیند رابطه‌ای^۹ و موضوع (شرکت‌کننده) آن‌ها از نوع شناخته^{۱۰} یا شناسا^{۱۱}، حامل^{۱۲} و وصف^{۱۳} خواهد بود. بندهایی که تصمیم را بیان می‌کند فرآیند بیانی با موضوع‌های گوینده و گفته هستند؛ آن‌هایی که با درخواست حکم همراه هستند، فرآیند ذهنی با موضوع‌های حس‌گر و پدیده‌اند؛ آن‌هایی که بر وجود و هستی عنصری در صحنه جرم دلالت دارند، فرآیند وجودی خواهند بود. در ژانر حقوقی هیچ گزاره‌ای با فرآیند رفتاری پیش‌بینی نمی‌شود. بر مبنای دومین پرسش، با توجه به سبک و هدف از تنظیم متن دادنامه‌ها بیشترین فراوانی متعلق به فرآیند رابطه‌ای با داشتن شرکت‌کننده‌های شناخته، شناسا، حامل و وصف پیش‌بینی می‌شود.

¹ M. Halliday

² ellipsis

³ defendant

⁴ material process

⁵ arguments

⁶ participants

⁷ agent

⁸ goal

⁹ relational process

¹⁰ identified

¹¹ identifier

¹² carrier

¹³ attributing

۲. آثار و تألیفات زبان‌شناسی حقوقی

آثار برگزیده در جستار حاضر برگرفته از آثار محققان و پژوهشگرانی است که بر آن بوده‌اند تا کاربرد و اهمیت این حوزه نوین را به جامعه حقوقی و حقوقدانان معرفی کنند. در این راستا، فیگوردو (Figueiredo, 1998) در مقاله‌ای به تحلیل پنج پرونده دادگاهی پرداخت. وی با استفاده از انگاره گذرایی هلیدی نشان داد که زن‌ها نقش کنش‌گر دارند و بیشتر از مردان فرآیندهای مادی را به کار می‌برند. همچنین وی نشان داد احکام دادگاه و قاضی از نوع فرآیندهای بیانی^۱ و ذهنی^۲ هستند که یک موقعیت ایستا را بازنمایی می‌کند. کاتریل (Cotterill, 2002)، کالترد و جانسون (Coulthard-Johnson, 2007)، گینز و تورل (Gibbons-Turell, 2008)، هفر و همکاران (Heffer et al., 2013) و شای (Shuy, 2017) نویسندگانی هستند که با نوشتن کتاب‌هایی در زمینه زبان‌شناسی حقوقی به معرفی حوزه‌های گوناگون حقوق و زبان‌شناسی پرداختند. آن‌ها با گردآوری مقاله‌ها و دست‌نوشته‌های نویسندگان حقوقی گوناگون، رخ داده‌های جنایی مختلف را در بازجویی‌های^۳ پلیس و وکلا در موقعیت‌های متفاوت به رشته تحریر درآوردند. آن‌ها در کتاب‌های خود به دانشجویان رشته حقوق آموختند که چگونه و با بهره‌گیری از چه پرسش‌ها و ساختارهای نحوی می‌توان حقیقتی را که مجرم و یا مجرمین در پی مخفی کردن آن هستند را آشکار کرد. همچنین، آن‌ها از زوایای گوناگون گفتمانی، جنبه‌های مختلف بازجویی و مکالمه در دادگاه را مورد بررسی قرار دادند. عسکری و همکاران (Asgari et al., 2014) از جمله پژوهشگران ایرانی هستند که با تکیه بر نظریه کارگفت^۴ جان آر. سرل (Searle, 1975) به تحلیل دادنامه‌های حقوقی پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تراکم بالای کارگفت در پیکره، اهمیت و تأثیر به‌سزایی در بافت حقوقی و به ویژه دادنامه‌ها دارد. از این دیدگاه، هر دادنامه حقوقی یک کنش کاربردی-اعلامی در سطح کلان گفتمان حقوقی به شمار می‌آید. فرازنده‌پور و همکاران (Farazandepour et al., 2016) در اثری به بررسی آموزه‌های زبان‌شناسی الگوی خلاق در تحلیل آراء قضایی پرداختند. اهداف و کاربردهای پژوهش‌های آن‌ها این چنین است: افزایش انسجام معنایی^۵، قابلیت درک، شفافیت و آشکارسازی بیان آراء قضایی، کمک به شکل‌گیری زبان ساده حقوقی به گونه‌ای که برای افراد غیر حقوقدان قابل فهم و درک باشد، کمک به جامعه حقوقی، وکلا و قضات برای دفاع و یا

¹ verbal process

² mental process

³ investigation

⁴ speech act

⁵ semantic cohesion

صدور حکم در پیوند با دعاوی مشابه با مراجعه به احکام صادره، کمک به مترجم‌های رسمی دادگستری و در پایان آن‌ها به خلاصه کردن همه آراء صادره و پیوست کردن آن به اصل رأی پرداختند. آرمیون و همکاران (Armioon et al., 2015) با کاربرد نظریه هایمز (Hymes, 1967; quoted in Armioon et al., 2015) به عنوان ابزار زبان‌شناختی و الگوی سازه در تشخیص متن‌های حقوقی به تحلیل مستندات از نوع جرم‌های زبانی به هنگام شهادت دروغ پرداختند. همچنین، آن‌ها با استفاده از دو دیدگاه کالتارد و جانسون (Coulthard-Johnson, 2007) توانستند الگو و یا فرآیند نظام‌مندی در تشخیص گفتمان دروغ به کار ببرند. آن‌ها برای ارزیابی آماری گفتمان و بافت حقوقی از اصول همکاری گرایس^۱ و همکاریانش بهره گرفتند.

۳. انگاره نقش‌گرایی هلیدی به عنوان رویکردی نظام بنیاد

یکی از دستاوردهای هلیدی در راستای چگونگی کاربرد زبان در گفتار و نوشتار با توجه به بافت و موقعیت‌های اجتماعی، انگاره نقش‌گرایی است. وی آن را در سال ۱۹۶۰ برای دستور زبان طراحی کرد و آن را دستور زبان نقش‌گرایی نظام‌مند یا کارکردگرا نامید. در این انگاره نظام^۲ و نقش^۳ دو رکن اصلی هستند. منظور وی از نظام آن است که همه زبان‌های دنیا دارای الگوها و قواعدی هستند که سبب می‌شود مقوله‌های دستوری در کنار هم و بر روی یک محور به گونه‌ای دربردارنده مفهوم باشند و دنیای معنا را به وجود آورند. دنیای معنا نیز دنیای بزرگتری به نام بافت^۴ و موقعیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد. بافت از دید هلیدی همان منطق ذهنی ما است، آن تجربیاتی که از محیط دریافت می‌کنیم. از دیدگاه وی نقش، هدف و کاربرد زبان را تعیین می‌کند و در واقع معمار داخلی زبان به شمار می‌رود که لایه‌های زبانی را آراسته و به سامان می‌کند (Halliday-Matthiessen, 2004, p. 31). منظور از لایه‌های زبانی گروه‌های فعلی یا محمول‌ها^۵ هستند که هلیدی آن‌ها را فرآیند می‌نامد؛ گروه‌های اسمی یا موضوعات که هلیدی آن‌ها را شرکت‌کننده‌های آن فرآیندها معرفی می‌کند؛ و گروه‌های حرف اضافه‌ای یا قیدی که هلیدی آن‌ها را به عنوان عناصر پیرامونی^۶ یا افزوده در نظر می‌گیرد. این لایه‌های زبانی با قرار گرفتن در کنار یک‌دیگر بندها را تشکیل می‌دهند که واحد اولیه مطالعه در دستور به شمار

¹ cooperative principle of Grice

² system

³ function

⁴ context

⁵ predicate

⁶ circumstance

می‌آیند. همچنین لایه‌های زبانی مورد اشاره، شیوه‌ای برای بازتاب رویدادها، رخ دادها، کنش‌ها، رفتار و اطلاعاتی است که فرد نویسنده یا گویند از محیط به دست آورده و به شکل گفتاری یا نوشتاری انتقال می‌دهد. بندها دارای سه بعد معنایی هستند که هلیدی این لایه‌های زبانی را فرانش^۱ نامیده است. این فرانش‌ها در همه زبان‌های دنیا بر پایه سه طبقه‌بندی معنایی سازمان‌دهی می‌شوند و با یکدیگر معناشناسی گفتمانی را تشکیل می‌دهند. این فرایندها مشتمل اند بر فرانش اندیشگانی یا تجربی^۲، فرانش بینافردی^۳ و فرانش متنی^۴. فرانش اندیشگانی، نخستین فرانش است که تجربیاتی را از محیط بیرونی دریافت و در دنیای درونی (ذهن) بازنمایی می‌کند و یا به بیانی فرایند درک یا کسب اطلاعاتی است که ذهن بشر از محیط بیرونی به دست می‌آورد. درون این فرانش انگاره‌گذاری وجود دارد که این انگاره خود از شش فرآیند، شرکت‌کننده‌های آن فرآیندها و عناصر پیرامونی یا شرایط تشکیل شده است. به طور کلی، واقعیت‌ها از فرآیندها ساخته می‌شوند و نخستین برداشت ما از تجربه این است که تجربه فرآورده مجموعه‌ای از رویدادهاست که این رویدادها نشان‌دهنده نوع فرآیند هستند. بنابراین فرآیندها محل برخورد فعل‌ها و یا محمول‌ها هستند که نوع شرکت‌کننده‌ها (گروه‌های اسمی فاعلی و مفعولی) را در هر بند مشخص می‌کنند و به دو دسته فرآیندهای اصلی و فرآیندهای فرعی گروه‌بندی می‌شوند.

۳.۱. فرآیندهای اصلی

این فرآیندها فراوانی بالایی دارند و به سه دسته گروه‌بندی می‌شوند که از این قرارند:

۳.۱.۱. فرآیند مادی

توصیف‌گر حقایق عینی و ملموسی است که مورد تأیید همه انسان‌ها است و بر انجام عمل و ارتکاب آن دلالت دارد. کنش‌گر و هدف شرکت‌کننده‌های پرسامد و اصلی در این فرآیند هستند و شرکت‌کننده‌های دیگر آن گیرنده^۵، گستره یا دامنه^۶، مسند^۷ و شاخص^۸ هستند. فعل‌های که متعلق به این فرآیند هستند مشتمل اند بر اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، آمدن، گرفتن و موارد مشابه.

¹ metafunction

² ideational metafunction

³ interpersonal metafunction

⁴ textual metafunction

⁵ recipient

⁶ scope

⁷ attribute

⁸ initiator

۳. ۱. ۲. فرآیند رابطه‌ای

این فرآیند اغلب از حاکمیت عنصری بر عنصر یا عناصر دیگر سخن می‌گوید و بیان‌گر تبیین و تشریح شرایط و تأکید یا تشخیص است. شرکت‌کننده‌های آن به دو صورت تشخیصی^۱ و وصفی^۲ بازنمایی می‌شوند. این فرآیند به سه دسته گروه‌بندی می‌شود که از این قرارند:

۳. ۱. ۲. ۱. فرآیند رابطه‌ای تأکیدی^۳

این فرآیند معمولاً از نوع فعل‌های بودن و/استن است و متضمن رابطه (x is a) است.

۳. ۲. ۱. ۲. فرآیند رابطه‌ای مشروط^۴

عموماً حاوی یک حرف اضافه (همچون at, in, on, for, with, about, along) و موارد مشابه) است. مانند: (x is b at a).

۳. ۲. ۱. ۳. فرآیند رابطه‌ای ملکی^۵

شرکت‌کننده‌ها در این فرآیند دارای رابطه دارنده و دارایی یا به بیان دیگر مالک و مایملک هستند. فرآیند ملکی نیز همانند سایر فرآیندهای رابطه‌ای از نوع وصفی و یا تشخیصی است. مانند (x has a) (Hagbhin, 2004, p. 62). یکی از وجوه تمایز تشخیصی‌ها از وصفی‌ها این است که در زبان انگلیسی شرکت‌کننده‌های وجه تشخیصی را می‌توان جابه‌جا کرد، ولی وصفی‌ها را نمی‌توان جابه‌جا نمود. هلیدی (Halliday, 2004)، نقش معنایی شرکت‌کننده‌های وجه وصفی را حامل و وصف و نقش معنایی آن‌ها را وجه تشخیصی شناسا و شناخته می‌نامند (همان).

۳. ۱. ۳. فرآیند ذهنی

در این فرآیند افکار، احساسات و ادراکات مورد نظر هستند. دو شرکت‌کننده این فرآیند عبارتند از مدرک یا حس‌گر^۶ و پدیده^۷. فعل‌های موجود در این فرآیند به چهار دسته ادراکی^۸، شناختی^۹، آرزویی^{۱۰} و درخواستی^{۱۱} یا عاطفی^{۱۲} گروه‌بندی می‌شوند. فعل‌های ادراکی مانند دیدن،

¹ identifying

² attributing

³ intensive relational process

⁴ circumstantial relational process

⁵ possessive relational process

⁶ senser

⁷ phenomenon

⁸ perception

⁹ cognition

¹⁰ desideration

¹¹ wanting

¹² emotion

بوییدن، چشیدن و شنیدن؛ فعل‌های شناختی بوده و مشتمل اند بر حدس زدن، فکر کردن، فهمیدن، تصمیم گرفتن و دانستن. فعل‌های آرزویی مواردی مانند خواستن، نخواستن و آرزو داشتن را شامل می‌شوند و فعل‌های درخواستی یا عاطفی مانند ترسیدن، نگران بودن و خوشحال بودن.

۲.۳. فرآیندهای فرعی

فرآیندهایی هستند که بین فرآیندهای اصلی قرار می‌گیرند و عملکردی شبیه به آن‌ها دارند و از فراوانی کمتری برخوردارند. به سه دسته گروه‌بندی می‌شوند که از این قرارند:

۱.۲.۳. فرآیند رفتاری^۱

در این فرآیند، رفتارهای روان‌شناختی فیزیکی افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از شرکت‌کننده‌های آن رفتارگر^۲ است، موجودی باشعور و دارای حس است و شرکت‌کننده دیگر آن رفتار^۳ است. فعل‌های این فرآیند مشتمل اند بر خندیدن، رقصیدن، اخم کردن و موارد مشابه.

۲.۲.۳. فرآیند موجودی^۴

این فرآیند بر هستی و یا نیستی پدیده‌ها دلالت دارد و تنها شرکت‌کننده آن موجود^۵ است. این فرآیند در زبان انگلیسی با «there» نشان داده می‌شود. فعل‌های موجود در این فرآیند مشتمل اند بر وجود داشتن، هستن، واقع یا ظاهر شدن و باقی ماندن.

۳.۲.۳. فرآیند بیانی

به انتقال پیام از گوینده به شنونده دلالت دارد. شرکت‌کننده‌های آن گوینده^۶، گیرنده^۷، گزارش عمل یا مقصد^۸ هستند. فعل‌هایی مانند نقل کردن، ارائه کردن، عنوان کردن، بیان کردن، نظر دادن، پیشنهاد کردن، اعلام کردن و ذکر کردن را در بر می‌گیرد.

۳.۳. عناصر پیرامونی یا افزوده

عناصری هستند که زمان، مکان، شیوه و دلیل وقوع فرآیندی را به صورت گروه‌های قیدی و

¹ behavioral process

² behavior

³ behavior

⁴ existential process

⁵ existent

⁶ sayer

⁷ receiver

⁸ target

حرف اضافه‌ای بازنمایی می‌کنند و با آن‌ها از جنبه معنایی در ارتباط هستند این عناصر به نه دسته گروه‌بندی می‌شوند که از این قرارند: ۱. فاصله^۱ (حد فاصل بین دو مکان و یا دو موقعیت زمانی را بیان می‌کند)، ۲. موقعیت (مکان و زمان)، ۳. شیوه^۲ (وسیله، کیفیت، مقایسه)، ۴. سبب (دلیل، مقصد)، ۵. احتمال وقوع^۳ (شرایط امتیازی)، ۶. اقدام (ارتکاب، افزودن)، ۷. نقش، ۸. مطلب و ۹. زاویه دید (Hagbin, 2004, p. 70).

۴. روش‌شناسی

با انتخاب ۱۰ دادنامه از هر دهه به صورت تصادفی - متن ۴۸ دادنامه حقوقی^۴ و کیفری^۵ که شامل آرای دادگاه بدوی، دادگاه تجدیدنظر، هیأت عمومی و مجمع دیوان می‌شود- از دهه ۵۰ تا ۹۰ یا به بیانی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۷ بررسی خواهد شد. داده‌های مورد اشاره از چند کتاب برگرفته شده‌اند که شامل آرای منتخب مراجع قضایی ایران^۶، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)^۷، منتخب آرای دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰^۸ هستند. دادنامه‌های یادشده دارای بیش از ۶۱۲ بند هستند. بنابراین، فقط سبک نوشتاری ۱۵۹ بند به صورت انتخابی با شمارش بندها با مضرب پنج مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از آنجایی که انگاره‌گذاری نظریه هلیدی (Halliday, 2004) در تجزیه و تحلیل گفتمانی ابزاری کارآمد است، در این جستار از این انگاره بهره گرفته شده‌است. پس از تشخیص لایه‌های درونی (بند پیرو) و لایه‌های بیرونی (بند پایه)، عناصر محذوف در هر بند در داخل قلاب [] قرار خواهند گرفت و هر بند به صورت جداگانه شماره‌گذاری خواهد شد. سپس، با استخراج فعل‌ها از هر بند نوع فرآیند آن مشخص خواهد شد. نوع فرآیند سبب می‌شود که سرنوشت شرکت‌کننده‌ها و نوع آن‌ها تعیین گردد و پس از آن با توجه به شیوه، زمان، مکان، دلیل و وقوع هر فرآیند، عناصر پیرامونی آن تشخیص داده خواهد شد. این عناصر اصولاً به صورت گروه‌های حرف اضافه‌ای و قیدی در هر بند در نظر گرفته شده‌اند. در پایان، جدولی برای توصیف و شرح سازه‌های تشکیل‌دهنده هر بند رسم خواهد شد که سازه‌های این جدول مشتمل‌اند

¹ extent

² manner

³ contingency

⁴ legal

⁵ criminal

^۶ معاونت آموزش قوه قضاییه (Judiciary Training Deputy, 2007)

^۷ پژوهشکده استخراج و مطالعه رویه قضایی (Judicial Procedure Extraction and Studies Research

Institute, 2018

^۸ بازگیر (Bazgir, 2003)

بر گروه‌های فعلی یا فرآیندها، گروه‌های اسمی یا شرکت‌کننده‌ها و گروه‌های حرف اضافه‌ای و قیدی یا عناصر پیرامونی. همچنین جدول‌هایی هم برای نمایش میزان فراوانی ارائه خواهد شد. به منظور محاسبه میزان فراوانی از ابزار آماری ویژه‌ای استفاده نخواهد شد بلکه به صورت ذهنی محاسبه خواهد شد.

۵. عملکرد انگاره‌گذاری در ارزیابی و تحلیل متن دادنامه‌ها

با توجه به نظریه هلیدی (Halliday, 2004) از ۶۱۲ بند ۱۵۹ بند مورد بررسی قرار می‌گیرد. به دلیل اینکه مجالی برای ارائه تمامی داده‌ها نیست، در ابتدا به ارائه چند بند از متن اصلی دادنامه‌ها به همراه جدولی از یافته‌های به دست آمده بسنده می‌شود. در پایان، جدول‌های میزان فراوانی هر یک از فرآیندها مقایسه و بحث می‌شود. بندهای برگزیده شده از چند دادنامه، با مضرب پنج از این قرارند:

بند شماره ۱

در خصوص پژوهش خواهی بانوب. به طرفیت آقای مرتضی.... نسبت به حکم شماره ۷۴۲-۵۴/۶/۲۶ صادره از دادگاه شهرستان ساوه در قسمتی از حکم که ناظر است (۱) به خلع ید از پلاک ۶۳ اصلی بخش ساوه به نظر دادگاه حکم پژوهش خواسته مخدوش [است] (۲) و لازم‌الفسخ است (۳).

بند شماره ۵

لذا بنا به جمیع جهات موارد مذکور حکم به بطلان دعوی مطروحه صادر [می‌گردد] (۵) و اعلام می‌گردد (۶).

بند شماره ۱۰

علی‌هذا مستنداً به مواد ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸ و ۷۸۱ قانون آئین دادرسی مدنی دستور موقت بر منع انتقال و معامله پلاک ۳۸ فرعی از ۵۳ اصلی مجزی شده از شماره یک فرعی از اصلی واقع در قریه کوچک جز دهستان پیام پازوکی ورامین تا تعیین تکلیف نهایی و صدور حکم قطعی در ماهیت قضیه صادر [می‌گردد] (۹) و اعلام می‌گردد (۱۰).

بند شماره ۱۵

لذا [من یا خواهان] تقاضای صدور حکم مبنی بر محکومیت خوانده به پرداخت خسارت ضرر و زیان ناشی از دیرکرد باز پرداخت ثمن معامله را خواستارم (۱۵).

بند شماره ۲۰

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقایان ف. و ب.م فرزندان ق. به طرفیت آقایان م. و الف.ن. فرزندان ع. نسبت به دادنامه شماره ۱۷۳-۱۴/۲/۷۹ صادر شده از شعبه اول دادگاه عمومی بهشهر که متضمن صدور حکم خلع ید تجدیدنظر خواهان از دو هکتار اراضی زراعی واقع در روستای پارم بهشهر با مشخصات تعرفه شده در گزارش مکتوب عضو مجری قرار تحقیق و معاینه محل و کروکی ترسیمی موجود در پرونده است (۲۰).

با مشاهده بندهایی از متن‌های مورد اشاره می‌توان دریافت که بیشتر آن‌ها از لایه‌هایی به صورت درونی یا درونه‌گیری شده (بند پیرو) و لایه بیرونی یا بند پایه تشکیل شده‌اند. این امر منجر شده که برخی از موارد به قرینه بافتی و موقعیتی محذوف گردند. این موارد محذوف اغلب فعل‌هایی هستند که به وسیله حرف ربط و با فعل پس از خود هم‌پایه و به آن پیوسته شده‌اند که به سبب تکرار نشدن به صورت محذوف و پنهان دیده می‌شوند. بنابراین هر کدام بندی جداگانه در نظر گرفته می‌شوند. برخی عناصر دیگری هم مشاهده می‌شود که بر مبنای قاعده حذف به قرینه^۱ به صورت محذوف و پنهان هستند. این عناصر شامل شرکت‌کننده‌ها یا موضوعاتی است که به دلیل فرآیند مبتداسازی به صورت جمله‌های مجهول درآمده و این امر منجر شده تا عمل انجام شده مورد توجه قرار گیرد و جمله یا بند مبهم باشد. بنابراین، بسته به نوع فرآیند، عناصر محذوف تعیین و تشخیص و در داخل قلاب [] قرار داده می‌شوند. تحلیل داده‌های یادشده در بالا به شکل خلاصه در جدول (۱)، ارائه می‌گردد.

^۱ قاعده حذف به قرینه یک قاعده نحوی است که فقط بر واژه و واحدهای نحوی بزرگ‌تر از واژه عمل می‌کند (Shaghghi, 2012, p. 74).

جدول ۱: نوع فرآیندها، شرکت کنندگان و عناصر پیرامونی

بند	گروه‌های فعلی	گروه‌های اسمی	گروه‌های حرف اضافه‌ای و قیدی
شماره	فرآیندها	شرکت کنندگان	عناصر پیرامونی
۱	است: رابطه‌ای تأکیدی	حکم پژوهش خواسته: حامل مخدوش: وصف	به خلع ید از پلاک ۱۶۳ اصلی بخش ساوه: سبب/ دلیل به نظر دادگاه: زاویه دید
۵	صادر می‌گردد: مادی	قاضی یا دادستان: کنش گر (مخدوف) حکم به بطلان دعوی مطروح: هدف	لذا بنا به جمیع جهات موارد مذکور: مطلب
۱۰	اعلام می‌گردد: بیانی	قاضی یا دادستان: گوینده (مخدوف) دستور موقت: گفته	علی‌هذا مستنداً به مواد ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸ و ۷۸۱ قانون آئین دادرسی مدنی: زاویه دید بر منع انتقال و معامله پلاک ۳۸ فرعی از ۵۳ اصلی مجزی شده: اقدام/ ارتکاب از شماره یک فرعی از اصلی: موقعیت/ مکان واقع در قریه کوچک جز دهستان پیام بازوکی ورامین: موقعیت/ مکان تا تعیین تکلیف نهایی و صدور حکم قطعی: موقعیت/ زمانی در ماهیت قضیه: موقعیت/ مکانی
۱۵	خواستار شدن: ذهنی	خواهان/ من: حس گر (وجود شناسه - م) صدور حکم: پدیده	مبنی بر محکومیت خواننده: اقدام/ ارتکاب به پرداخت خسارت ضرر و زیان ناشی: احتمال وقوع/ شرایط امتیازی از دیرکرد باز پرداخت ثمن معامله را: سبب/ دلیل
۲۰	موجود است: وجودی	قرار تحقیق و معاینه محل و کروکی ترسیمی: موجود	در خصوص تجدیدنظرخواهی آقایان ف. و ب.م. فرزندان ق: اقدام/ ارتکاب به طرفیت آقایان م. و الف.ن. فرزندان ع: زاویه دید نسبت به دادنامه شماره ۱۷۳-۱۴/۲/۷۹ صادر شده: زاویه دید از شعبه اول دادگاه عمومی بهشهر: موقعیت/ مکان متضمن صدور حکم خلع ید تجدیدنظر خواهان: سبب/ دلیل از دو هکتار اراضی زراعی: موقعیت/ مکان واقع در روستای پارم بهشهر: موقعیت/ مکان با مشخصات تعرفه شده: نقش در گزارش مکتوب عضو مجری: موقعیت/ مکان

همان گونه که در جدول (۱) مشاهده می شود، فعل/است در بند شماره (۱)، به دلیل اینکه از یک سو بر ارتباط بین دو عنصر شرکت کننده دلالت دارد و از سوی دیگر موقعیت و شرایط مزبور را توصیف و تشریح می کند، فرآیندی رابطه ای با شرکت کننده های حامل و وصف است. در بند شماره ۵ فعل صادر می شود متضمن ارتکاب عمل است و تعیین کننده حکم و رأی صادره از جانب قاضی یا دادستان است و قدرت کلامی فرد حاکم در گفتمان را گویاست. از این رو، فرآیندی مادی است. شرکت کننده های این فرآیند هدف و کنش گر هستند که شرکت کننده کنش گر در این فرآیند به دلیل مجهول بودن بند و عمل مبتداسازی به صورت پنهان و محذوف است. فعل/اعلام می گردد در بند شماره (۱۰) بر انتقال پیام دلالت دارد و در واقع حکمی را از جانب شخصی به عنوان نماینده قضایی اعلام می کند که از جنبه گفتمانی حاکم بر قدرت کلامی است و دارای دو شرکت کننده گفته و گوینده است که شرکت کننده گوینده به عنوان فاعل محذوف در این بند در نظر گرفته می شود که به دلیل مجهول بودن مبتداسازی شده است. بند شماره (۱۵)، بندهای است که فرآیندی ذهنی به شمار می رود. زیرا در آن فعل خواستار شدن متضمن درخواست و آرزویی است که از جانب فرد خواهان یا خواننده بیان می شود. این گونه افراد در گفتمان حقوقی در مقابل افراد حقوق دانی مانند قاضی، دادستان، دادیار و هیأت منصفه از قدرت کلامی برخوردار نیستند. شرکت کننده های آن حس گر و پدیده هستند که ضمیر فاعلی من مرجع شناسه م به عنوان شرکت کننده حس گر آن است. فعل موجود/است در بند شماره ۲۰ نمایانگر فرآیند وجودی است و تنها شرکت کننده آن عنصر موجود است. این فعل در این بند وجود و هستی شواهد و مدارک موجود در پرونده را بازگو می کند. از این رو، با توجه به تحلیل های انجام شده جدول زیر میزان فراوانی هر فرآیند، شرکت کننده های آن ها و عناصر پیرامونی آن ها را نشان می دهد.

جدول ۲: میزان فراوانی فرآیند مادی، شرکت کننده ها و عناصر پیرامونی

مادی								فرآیند
۷۹								تعداد
شاخص		مسند		گیرنده / مخاطب		هدف	کنشگر	شرکت کننده ها
۱		۱		۹		۱۱	۶۷	۲۳
تعداد		۱۰۷						
عناصر		شرایط		موقعیت		سبب	شیوه	اقدام
پیرامونی		فاصله		زمان		مقصد	کیفیت	ارتکاب
تعداد		۴		۹		۱۵	۴	۴۸
۲۱۵		زاویه دید		مکان		دلیل	وسیله	افزوده
۱۷		۱۷		۲۲		۳۶	۱۹	۱۱
مطلب		نقش					مقایسه	
۱۵		۴					۳	

همان‌گونه که در جدول (۲)، مشاهده می‌شود، در فرآیند مادی شرکت‌کننده‌های هدف و کنش‌گر با داشتن به ترتیب ۶۷ و ۲۳ تعداد نسبت به سایر شرکت‌کننده‌ها از فراوانی بالایی برخوردار هستند. در مقایسه شرکت‌کننده هدف با کنش‌گر، شرکت‌کننده هدف بیشترین فراوانی را داراست. عنصر پیرامونی ارتکاب از نوع اقدام با تعداد ۴۸ نیز در این فرآیند بالاترین میزان فراوانی را دارد.

جدول ۳: میزان بسامد فرآیند رابطه‌ای، شرکت‌کننده‌ها و عناصر پیرامونی

رابطه‌ای										فرآیند
۵۵										تعداد
بهره‌ور		گیرنده	شناسا	شناخته	ارزش	شاخص	وصف	حامل	شرکت‌کننده‌ها	
۲		---	۲۳	۲۳	---	---	۳۲	۲۸	تعداد ۸۹	
مطلب		فاصله	زاویه دید	شرایط امتیازی	موقعیت	شیوه	سبب	اقدام	عناصر پیرامونی	
۶		۳	۱۲	۳	زمان ۷ مکان ۱۱	کیفیت ۲ وسیله ۱۰	دلیل ۱۱ مقصد ۶ استناد ۱	ارتکاب ۲۹	تعداد ۱۰۷	
		نقش ۴						مقصد ۱ افزوده ۱		

با توجه به جدول (۳)، در فرآیند رابطه‌ای شرکت‌کننده وصف با تعداد ۳۲ بیشترین میزان فراوانی را دارد. این امر نشان‌دهنده آن است که توصیف و تبیین رویکردها و موقعیت بسیار اهمیت. عنصر ارتکاب از نوع اقدام با تعداد ۲۹، تنها عنصری است که در این فرآیند بیشترین میزان فراوانی را دارد.

جدول ۴: میزان فراوانی فرآیند ذهنی، شرکت‌کننده‌ها و عناصر پیرامونی

ذهنی										فرآیند
۱۲										تعداد
محرك / ترغیب		گیرنده	شاخص		پدیده	حس‌گر		شرکت‌کننده‌ها		
۴		۱	-----		۹	۳		تعداد ۱۷		
مطلب		فاصله	زاویه دید	شرایط	شیوه	موقعیت	سبب	اقدام	عناصر پیرامونی	
۳		۱	۳	۲	وسیله ۱	مکانی ۱ زمانی ۱	دلیل ۲	ارتکاب ۸	تعداد ۲۲	

در فرآیند ذهنی همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می شود شرکت کننده پدیده با تعداد ۹ بیشترین میزان فراوانی را داراست و این نشان از آن دارد که حس گر تحت تأثیر پدیده قرار می گیرد و بر پایه آن عمل می کند. از این رو، نقش پدیده در متن های مورد اشاره بسیار اهمیت دارد.

جدول ۵: میزان فراوانی فرآیند بیانی، شرکت کننده ها و عناصر پیرامونی

بیانی ۱۵								فرآیند تعداد	
گفته ۱۴		گیرنده / مخاطب ۲		مقصود ۲		گوینده ۸		شرکت کننده ها تعداد ۲۴	
نقش ---	مطلب ۲	فاصله ---	شرایط امتیازی ۲	زاویه دید ۶	شیوه	سبب	موقعیت	اقدام	عناصر پیرامونی تعداد ۴۵
					وسيله ۵	دلیل مقصد ۱	مکانی ۱۰	ارتکاب ۷	
		-			مقایسه ۲		زمانی ۲		
					کیفیت ۲				

در فرآیند بیانی با توجه به جدول (۵) شرکت کننده گفته از فراوانی بالایی برخوردار است. بنابراین چیزی که گفته می شود در این متن ها بیشتر از خود گوینده مورد توجه قرار می گیرد. عنصر پیرامونی مکانی با تعداد ۱۰، بیشترین میزان فراوانی را دارد.

جدول ۶: فرآیند وجودی، شرکت کننده ها و عناصر پیرامونی

وجودی ۳								فرآیند تعداد	
موجود ۳				----- -----				شرکت کننده ها تعداد ۳	
مطلب ----	نقش ۱	فاصله ---	شرایط ----	زاویه دید ۲	سبب	شیوه	موقعیت	اقدام	عناصر پیرامونی تعداد ۱۰
					دلیل ۱	---	مکان ۴	ارتکاب ۲	
		-				--			

جدول (۶)، فرآیند وجودی را با فراوانی ۳ نشان می‌دهد. بنابراین، این فرآیند تنها فرآیندی است که کمترین میزان فراوانی را در متن‌های یادشده دارد و تنها شرکت‌کننده آن، موجود، با فراوانی ۳ است. عنصر مکان با تعداد ۴ بیشترین فراوانی را داراست. با مقایسه جدول‌های مورد اشاره، میزان فراوانی هر فرآیند، شرکت‌کننده و عنصر پیرامونی نمایانگر آن است که فرآیند مادی با تعداد ۷۶ بیشترین میزان فراوانی را در متون حقوقی دارد. شرکت‌کننده‌های این فرآیند با فراوانی ۱۰۷، بیشترین شرکت‌کننده هدف با فراوانی ۶۵ است. این امر نشان‌دهنده آن است که در متن‌های حقوقی خود عمل و انجام آن نسبت به کننده آن بسیار اهمیت دارد. تعداد عناصر پیرامونی در این فرآیند ۲۱۵ است، از این رو عنصر پیرامونی اقدام از نوع ارتکاب بیشترین فراوانی را دارد. تنها فرآیندی که هیچ‌گونه عملکرد و نقشی در متون یادشده نداشته، فرآیند رفتاری است که بر حالت‌ها و رفتارهای روان‌شناختی دلالت دارد. بنابراین متون حقوقی گویای حقایق عینی و ملموس هستند که مورد تأیید همه انسان‌هاست نه رفتارها و حالت‌های بیرونی.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در پیوند با نخستین پرسش این پژوهش، فرآیند مادی در گفتمان حقوقی متضمن حکم به اقدام عمل است و بندهای مرتبط با آن از جنبه گفتمانی قدرت کلام قاضی و یا دادستان را نشان می‌دهد. این گونه بندها، بیشتر کنشی و پویا هستند. جنس موضوع‌های آن‌ها اغلب هدف و کنش‌گر است. شرکت‌کننده هدف نمایانگر آن است که در این ژانر خود عمل بیش از کننده و کنش‌گر آن اهمیت دارد، به همین دلیل، بندهای آن‌ها به صورت مبتداسازی با ساختاری مجهول مشاهده می‌شوند. در این گونه از بندها بهتر است از فعل‌های معلوم استفاده شود تا از میزان ابهامات کاسته شود و طرفین دعوا بدانند در مقابل حکم صادرشده چه عملی را می‌بایستی انجام دهند. فرآیند رابطه‌ای بیان‌گر تبیین و تشریح شرایط و تأکید یا تشخیص است. بنابراین، بندهای آن‌ها اغلب موقعیت و صحنه جرم را توصیف می‌کنند و جنس شرکت‌کننده‌های آن شناخته، شناسا، حامل و وصف است. بندهایی که متضمن گفتاری از جانب شخصی به عنوان نماینده قضایی هستند، دارای قدرت کلامی هستند؛ زیرا رأی و حکمی نهایی را از جانب این افراد بیان می‌کنند و بر انتقال پیام دلالت دارند. همچنین این بندها فرآیند بیانی به شمار می‌آیند و موضوع‌ها یا شرکت‌کننده‌های آن‌ها گوینده و گفته یا مقصود است. این گونه از بندها نیز همانند بندهای دارای فرآیند مادی، ساختار مجهول دارند و شرکت‌کننده گوینده آن به صورت محذوف است. بندهایی

که درخواست و آرزویی را بازنمایی می‌کنند، فرآیندی ذهنی با موضوع‌ها یا شرکت‌کننده‌های حس‌گر و پدیده یا محرک هستند. این‌گونه بندها از سوی فرد خواهان یا خواننده صورت می‌گیرند، از این رو از جنبه گفتمانی دارای قدرت کلامی نیستند. در تحلیل دادنامه‌ها بند یا گزاره‌ای یافت نشد که نمایانگر ارائه تظاهرهای بیرونی از اعمال و رفتارهای اساسی باشد، از این رو، فرآیند رفتاری تنها فرآیندی است که در این ژانر هیچ عملکرد و نقشی ندارد. وجود و هستی شواهد، بر فرآیند وجودی دلالت دارد و تنها شرکت‌کننده این فرآیند عنصر موجود است. به نظر می‌رسد بین نوع فرآیندها و عناصر پیرامونی همبستگی وجود دارد؛ زیرا عناصر پیرامونی که بیشتر از جنس اقدام و ارتکاب هستند، ضرورت انجام احکام در پی صدور حکم را به دنبال دارند. در ژانر حقوقی دادنامه‌ها وجود عنصر پیرامونی اقدام از نوع ارتکاب نشان‌دهنده تأکید بر لازم‌به‌اجرا بودن احکام دارد. یکی از ویژگی‌های برجسته متن‌های یادشده در پنج دهه مورد اشاره این است که منشی دادگاه ابتدا به شرح مستندات و ادله می‌پردازد و سپس رأی و حکم قاضی یا دادستان را انشاء می‌کند. در واقع، هدف نویسند متن دادنامه از نوشتن این متون با چنین سبک و سیاقی آن است که بر اساس شواهد و مدارکی که وجود دارد، دادگاه مربوطه این چنین تصمیمی گرفته و حکم موصوف را صادر کرده‌است. از این رو نخستین فرضیه این پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. در پیوند با پرسش دیگر جستار حاضر، فرآیند مادی با داشتن شرکت‌کننده‌هایی از جنس هدف و کنش‌گر، تنها فرآیندی است که میزان فراوانی آن بالا است. بنابراین مادی بودن جنس فعل‌های این بندها سبب شده که این متن‌ها اغلب حکم و دستورالعملی باشند که از جانب مسئولین قضایی تصمیم‌گیرنده مانند قاضی، دادستان و بازپرس، دادیار و موارد مشابه صادر می‌شود تا افراد غیر حقوقی بدانند در مقابل آن دستورالعمل‌ها مکلف به انجام چه امری هستند. از این رو دومین فرضیه رد می‌شود.

با توجه به دستاوردهای به‌دست آمده پژوهش فیگوریدو (Figueiredo, 1998) تنها پژوهشی است که با این پژوهش هم‌راستا است. وی با بهره‌گیری از انگاره گذرایی هلییدی به تحلیل متون پنج پرونده دادگاهی پرداخت. نتیجه به‌دست آمده نمایانگر آن بود که زن‌ها نسبت به مردها در گفتارشان بیشتر از فرآیندهای مادی بهره می‌برند و بیشتر نقش کنش‌گر دارند و احکام دادگاه و قضایی از نوع فرآیندهای بیانی و ذهنی هستند. بنابراین، استفاده پیاپی از آن‌ها تصویر یک موقعیت ایستا را ایجاد می‌کند. این امر نشان می‌دهد که به باور وی احکام دادگاه و قضایی بر انتقال پیام از گوینده به مخاطب دلالت دارد و در واقع عملی فیزیکی است که به وسیله گوینده انجام می‌گیرد و بازخورد آن در درون ذهن بازتاب می‌شود و در ذهن بر افکار، احساسات و ادراکات افراد تأثیر

می‌گذارد. در مقایسه با پژوهش وی، جستار حاضر نشان داد که ویژگی بندهای مورد اشاره که متضمن دادنامه‌ها متضمن تشریح و تبیین شرایط دستور به انجام یا ترک عمل و نیز اعلام مجرمیت و یا بی‌گناهی است در واقع بیانگر حقایق و وضعیت موجود اعم از صحنه جرم و یا رخدادهای پرونده اسامی طرفین اختلاف و دیگر موارد حسب موضوع است. در این گونه متون هیچ گزاره یافت نشد که نمایانگر ارائه تظاهرهای بیرونی از اعمال باشد. به طور کلی در ژانر حقوقی فرآیند مادی نسبت به سایر فرآیندها در بندهای دادنامه‌ها به وفور مشاهده می‌شود. بنابراین، از میزان فراوانی بیشتری برخوردار است. با توجه به این امر این نکته شایسته توجه است که ژانر مورد اشاره تأکید بر لازم‌به‌اجرا بودن احکام و دستورالعمل‌ها دارد.

فهرست منابع

- آرمیون، طاهره و معصومه ارجمندی (۱۳۹۶). «توصیف و تبیین سازه‌های تشخیص در ارزیابی گفتمان شهادت دروغ متهمین در دادگاه‌های کیفری: رویکرد تحلیل گفتمان حقوقی». مجموعه مقالات سومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی. به کوشش فردوس آفاگل‌زاده تهران: نشر نویسه پارسی. صص ۱۷۵-۲۰۸.
- بازگیر، یدالله (۱۳۸۲). منتخب آراء دهه ۵۰-۶۰-۷۰. ج ۱. تهران: انتشارات بازگیر.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی (۱۳۹۶). مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری) - فروردین - اردیبهشت - خرداد ۱۳۹۳. ج ۱. تهران: قوه قضائیه.
- حق‌بین، فریده (۱۳۸۳). بررسی صوری، نقشی و شناختی تعدی در زبان فارسی. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی.
- شقاقی، ویدا (۱۳۹۱). مبانی صرف. ج ۵. تهران: سمت.
- عسگری متین، سجاد و علی رحیمی (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان حقوقی: واکاوی نقش کارگفت در بافت حقوقی». جستارهای زبانی. دوره ۴. شماره ۴. صص ۱۵۱-۱۷۲.
- فرازنده‌پور، فائزه و فردوس آفاگل‌زاده (۱۳۹۵). الگوی خلاق آموزه‌های زبان‌شناسی در تحلیل آراء قضایی. تهران: نشر پارسی.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۶). آراء منتخب مراجع قضایی ایران. ج ۱. قم: نشر قضا.

References

- Armioon, T., & Arjmandy, M. (2015). The description and explanation of the diagnostic constituents in accused's perjury in criminal courts; a forensic discourse approach. In F. Agha Gol Zadeh (Ed.), *3rd national conference on forensic linguistics* (pp. 175-208). Tehran: Neveseeh [In Persian].

- Asgari, M. S., & Rahimi, A. (2014). Forensic discourse analysis: legal speech acts in legal language. *Language Related Research*. 4 (4), 151-172 [In Persian].
- Bazgir, Y. (2003). *Collected verdicts 50s, 60s, 70s*. Tehran: Bazgir [In Persian].
- Cotterill, J. (2002). *Language in the legal process* (1nd ed). London: Palgrave Macmillan.
- Coulthard, M., & Johnson, A. (2007). *An introduction to forensic linguistics, language in evidence* (1nd ed). London and New York: Routledge.
- Farazandehpour, F., & Aghagolzadeh, F. (2016). *Creative pattern of linguistic instructions in analysis of judicial verdicts*. Tehran: Neveeseh Parsi [In Persian].
- Figueiredo, D. C. (1998). An analysis of transitivity choices in five appellate decisions in rape cases. 8 (1), 97-113. *Fragmentos*, doi: <https://doi.org/10.5007/fragmentos.v8i1.6041>.
- Gibbons, J., & Turell, M.T. (2008). *Dimensions of forensic linguistics*. (6nd ed). Amsterdam: John Benjamins.
- Haghighi, F. (2004). *The Formal, Functional and cognitive study of transitivity in Persian language*. PhD Dissertation, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Halliday, M.A.K., & Matthiessen, M. I.M. (2004). *Halliday's introduction to functional grammar*. London & New York: Routledge.
- Heffer, C., Rock, F., & Conley, J. (2013). *Legal-lay communication textual travels in the law*. Oxford: Oxford university.
- Judicial Procedure Extraction and Studies Research Institute (2018). *Collection of judicial opinions of the branches of the court High country (criminal)-Farvardin-Ordibehesht-Khordad 1393*. (1nd ed). Tehran: Goveh-Ghazaei [In Persian].
- Judiciary Training Deputy (2007). *Selected votes of Iranian judicial authorities* (1nd ed). Qoam: Ghaza [In Persian].
- Shaghghi, V. (2012). *An introduction to morphology*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Shuy, W. R. (2017). *Deceptive Ambiguity by police and prosecutor's oxford studies in language and law*. Oxford: Oxford University Press.
- Solan, L. (1993) *The Language of Judges*, Chicago, IL: University of Chicago Press.

Analyzing the written style of the criminal and legal lawsuits based on the Systematic Functional Grammar

Fatemeh Pourmasjedian¹
Khadijeh Seyedramezan²

Received: 17/07/2020

Accepted: 17/08/2020

Article Type: Research

Abstract

In legal contexts, lawsuits are considered important documents because they involve verdicts or the same decision of the judicial authority. All or some of the verdicts of the dispute are resolved. So, they are binding and decisive. By examining the texts, it was clearly seen that they are elliptic and ambiguous, including some verbs and nominal groups that according to equivalent-deletion rules are omitted. Moreover, these ambiguities and ellipsis arose over the coordination of one verb with another one by using *and* as relative clause in order to avoid repetition. The nominal groups as subjects which are omitted because of the topicalization to make a passive sentence, is another ambiguous factor. Therefore, the first question of this article is what each clause of the written lawsuits represents according to Halliday's transitivity model and the second question of the research seeks which processes, participants, and circumstances have the most frequency.

The above discussion leads to selecting and analyzing 48 criminal and legal lawsuits randomly from the 50s to the 90s by utilization of the transitivity model of Halliday's ideational metafunction as an efficient tool. First of all, the ellipsis elements are found in the text. Then, by the diagnosis of the sort of the processes in terms of semantics, the variety of the participants are identified.

Afterward, the sort of circumstances of each clause, which demonstrate the manner and reason of the occurrence of the process types are identified. All the elements of transitivity model are demonstrated in a table in the article. Further, descriptive statistics have been used to measure the frequency of data and some tables are drawn to show them. Finally, all the frequencies are compared and interpreted.

According to the first question of this research, the material process in legal discourse involves the performance of action. The same clauses, which in terms of discourse are related to such processes, show the verbal strength of the judge or

¹ PH. D of Privat law, Associate professor, social sciences and economics Faculty department of law, ALZahra university, Tehran, Iran; fpourmasjedian@alzahra.ac.ir.

² M.A graduated in general linguistics, ALZahra university, Tehran, Iran (corresponding author); elahe.ramz.69@gmail.com

prosecutor. Such clauses are more active and dynamic.

The participants which are more used in this process are goal and actor. Hence, the goal participant indicates that in this genre, the action is more important than the actor, for this reason the clauses are seen as topicalization with a passive structure. In some clauses, the relational process expresses and explains the situation and scene of crime. However, it describes the reason of the issued verdicts in another clauses. Therefore, the gender of its participants is identified, identifier, carrier, and attributing. The attributing participant is the participant with the highest frequency. Further, the description of the situation is more significant.

The clauses which are included in a speech by a person as a judicial representative that they announce the final verdict are verbal processes. In this type of process, participants are sayer, receiver, and target. The only participant which is more used in these texts is target because it is more important to know the results of the discussion and the decision.

Some clauses that are representing the desire and aspiration are mental processes with the participants of the sensor and phenomenon or stimulus. Such clauses, are uttered by the person as defendant or claimant, so they do not have verbal power in terms of discourse. The existence of evidence implies an existential process, and the only participant in this process is the existing element, so the first hypothesis is acceptable. The second question showed that the material process has the highest frequency. in this way the second hypothesis is rejected.

The conclusions demonstrated that the legal genre emphasizes the validity of the verdicts and the characteristics of each clause were included in order to take action and commutation, explain and comment the situation, express the facts and evidence in the crime scene, announce and request the verdicts. This was concluded because all process types are observed except for the behavioral processes. No such statement was found in such texts to indicate the external manifestations of the acts. The writing style of these texts shows, the documents and evidence are stated at first, then the verdict and judgment are written. Typically, the frequency of the material process demonstrated that the legal genre emphasizes the necessity of enforcing judgments and instructions rather than external behaviors. It also seems that there is a correlation between the type of processes and the circumstances' elements. Since the circumstances' elements which are more commutation and act, show the necessity of carrying out the sentences. In the legal genre of litigation, this circumstances' element emphasizes the enforceability of judgments.

Key words: Ideational Metafunction, Lawsuit, Legal Text, Transitivity Model